

مقایسه استانداردها و اسنادهای رابطه در افراد متأهل با و بدون سابقه
طلاق والدین

**Comparison of Relationship Standards and Attributions in Married
People with and Without a History of Parental Divorce**

<https://dx.doi.org/10.52547/jfr.17.1.23>

M. Radmehr, M.A.

Department of Psychology, University of Shahid Behshti,
Tehran, Iran

M. Sadeghi, Ph.D.

Department of Psychology, University of Shahid Behshti,
Tehran, Iran

F. Motabi, Ph.D.

Department of Psychology, University of Shahid Behshti,
Tehran, Iran

مریم رادمهر

کارشناس ارشد خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

✉ **دکتر منصوره‌السادات صادقی**

دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۰/۳/۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۹

Abstract

The aim of this study is to investigate the contribution of parental divorce in the formation of attribution and incompatible standards of relationship. The statistical population of this study is consists of married people with and without parental divorce experience.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی سهم طلاق والدین در شکل‌گیری اسنادها و استانداردهای ناسازگار رابطه است. جامعه آماری این پژوهش تمامی افراد متأهل با و بدون تجربه طلاق والدین است.

✉ Corresponding author: Department of Psychology, Family of Research Institute, University of Shahid Behshti, Tehran Iran.
Email: m.sadeghi@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی،
پژوهشکده خانواده، گروه روان‌شناسی
پست الکترونیکی: m.sadeghi@sbu.ac.ir

Sampling of the present study was done in two stages. In the first stage, 69 married people with experienced parental divorce were selected by the available method; then 69 married people without parental divorce experience who were matched with the first group based on gender, age, city and education were sampled and entered the study. In order to assess the standards of cohabitation and relationship attributions of married people, the standard of living standard (SRSI) and the attribution of relationship attributions (RAM) were used, respectively. Data were analyzed using independent t-test and multivariate analysis of variance.

The experience of parental divorce does not generally determine the living standards of individuals and only leads to a decrease in the investment criteria expressed by their children. Therefore, these children are less inclined to express affection in their relationship with their spouse. Parental divorce can also lead to negative relationship attribution, especially in terms of responsibility.

Keywords: Parents' Divorce Experience, Marital Standards, Marital Attribution, Child Divorce.

نمونه‌گیری پژوهش حاضر در دو مرحله صورت گرفته که در مرحله اول ۶۹ نفر از افراد متأهل با تجربه طلاق والدین به روش در دسترس انتخاب شدند؛ سپس ۶۹ نفر از افراد متأهل بدون تجربه طلاق والدین که بر اساس متغیرهای جنسیت، بازه سنی، شهر و تحصیلات با گروه اول هم‌تا شده بودند، نمونه‌گیری و وارد پژوهش شدند. به منظور بررسی استانداردها و اسنادهای رابطه در متأهلان به ترتیب از پرسشنامه استاندارد زندگی مشترک (SRSI) و پرسشنامه اسنادهای رابطه (RAM) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون t مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شده‌اند.

تجربه طلاق والدین به‌طور کلی تعیین‌کننده استانداردهای زندگی مشترک افراد نخواهد بود و تنها به کاهش معیارهای سرمایه‌گذاری ابرازی فرزندان منجر خواهد شد. بنابراین این فرزندان تمایل کمتری به ابراز عاطفه و ارتباط با همسر خود دارند. همچنین طلاق والدین می‌تواند به اسنادهای منفی رابطه؛ به‌ویژه در ابعاد مسئولیت منجر شود.

کلیدواژه‌ها: تجربه طلاق والدین، استانداردهای زناشویی، اسنادهای زناشویی، فرزند طلاق

مقدمه

طلاق والدین به عنوان یکی از تجارب مهم در خانواده شناخته می‌شود که می‌تواند فرزندان را با بسیاری از مشکلات در روابط زناشویی مواجه کند (سیلوستری^۱، ۱۹۹۳) و شاید سهمگین‌ترین این مشکلات، تکرار چرخه طلاق والدین باشد. افزایش احتمال طلاق در فرزندان که شاهد طلاق والدین خود بودند، نسبت به فرزندان که چنین تجربه‌ای را نداشتند، فرضیه‌ای است که پژوهش‌های متعددی با استناد و تکیه بر افزایش نرخ طلاق در این فرزندان به آن پرداخته‌اند. مطالعات روی انتقال بین‌نسلی طلاق به عنوان یک مفهوم

گسترده، نه تنها در آمریکا؛ بلکه در کانادا و ۱۳ کشور اروپایی نیز انجام گرفته و خطر افزایش طلاق در خانواده‌هایی با تجارب طلاق را تأیید کرده‌اند (دیکمن و اسچمیدهینی، ۲۰۰۸).

طبق نظریه انتقال بین‌نسلی نارضایتی زناشویی، فرزندان که طلاق والدین را تجربه می‌کنند، در طول رشد خود دائماً در معرض الگوهای نامناسب زناشویی قرار می‌گیرند. از این رو افرادی با تجربه طلاق والدین، در امور عاطفی، فرزندپروری، مالی و... از سبک‌های نامناسب حل تعارض و ناسازگاری والدین خود الگوبرداری می‌کنند و فاقد مهارت‌های ارتباطی مناسب برای یک زندگی زوجی موفق هستند؛ بنابراین فرزندان با تجربه طلاق والدین همانند والدین‌شان در زندگی مشترک خود از الگوهای نامناسبی استفاده می‌کنند که به ناسازگاری زناشویی منجر می‌شود (گرینبرگ و نی، ۱۹۸۲).

رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین اهداف زوج برای ایجاد یک رابطه پایدار و موفق است (لی و فانگ، ۲۰۱۱) که عوامل شناختی مختص رابطه، نقش بسزایی در ایجاد آن دارند (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲؛ باکوم، سایرز، اپستین و همکاران، ۱۹۸۹؛ داتیلیو، ۲۰۱۰). تحقیقات زیادی حاکی از همبستگی‌های بالا بین انواع شناخت‌های مختص رابطه هم‌چون باورهای ناکارآمد (سالیوان و اسپویبل، ۱۹۹۵؛ متس و کوپاچ، ۱۹۹۰؛ حمامیک، ۲۰۰۵؛ باکوم، سایرز، اپستین و همکاران، ۱۹۸۹؛ داتیلیو، ۲۰۱۰)، انتظارات زناشویی (ونزتی، نوتاریز و نی اسمیت، ۱۹۹۲؛ ناگزیم بی، ۲۰۰۹؛ گانونگ، ۲۰۰۱؛ باکوم، سایرز، اپستین و همکاران، ۱۹۸۹؛ داتیلیو، ۲۰۱۰)، اسناد (برادباری و فینچام، ۱۹۹۰؛ برادباری و فینچام، ۱۹۹۲؛ هارلود و گانو فیلیپس، ۲۰۰۰؛ هوتس و هورن، ۲۰۰۸؛ اپستین، باکوم و رنکین، ۱۹۹۳؛ فینچام، آریاز، بیرن و همکاران، ۱۹۹۷؛ باکوم، سایرز و اپستین، ۱۹۸۹) و استانداردها (گوردون، باکوم و اپستین، ۱۹۹۹؛ باکوم، سایرز، اپستین و همکاران، ۱۹۸۹؛ داتیلیو، ۲۰۱۰؛ فلتچر و سیمپسون، ۲۰۰۰) با رضایت زناشویی است. در واقع این شناخت‌ها در صورت افراطی و مخرب‌بودن، به ناسازگاری‌های عمیقی در رابطه زوجین منجر خواهد شد.

طبق نظریات شناختی که توسط بک (۱۹۷۶) و آلیس (۱۹۶۲) مطرح شده است، شناخت‌های مختص رابطه، در ناسازگاری‌های زناشویی نقش عمده‌ای دارند (باکوم، سایرز، اپستین و همکاران، ۱۹۸۹). این شناخت‌های مختص رابطه، طبق مدل نشانه‌شناسی پنج نوع هستند:

توجه انتخابی^{۲۳} (جنبه‌های خاصی از رابطه و ویژگی‌های افراد که مورد توجه همسران است)، اسناد^{۲۴} (نسبت‌دادن علت اتفاقات به جنبه‌های مثبت و منفی رابطه یا همسر)، انتظارات^{۲۵} (پیش‌بینی اتفاقاتی که در رابطه خواهد افتاد)، مفروضات^{۲۶} (باورهای ذهنی افراد درباره آن‌گونه که ویژگی‌های افراد و رابطه هستند) و استانداردها^{۲۷} (باورهای ذهنی افراد درباره آن‌گونه که ویژگی‌های افراد و رابطه باید باشند) (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲؛ اپستین، چن و کامجو، ۲۰۰۵؛ واندرر و اسچنوید، ۲۰۰۸) از میان این پنج نوع شناخت تأثیرگذار، شواهد تجربی محکمی در زمینه اثربخشی استانداردها و اسنادها بر رضایت زناشویی وجود دارد (فینچام، گانو فیلیپس و هارلود، ۲۰۰۰؛ اپستین، باکوم و رنکین، ۱۹۹۳؛ فینچام، برادبری، آریاز و همکاران، ۱۹۹۷؛ باکوم، سایرز و اپستین، ۱۹۹۹).

در شکل‌گیری استانداردها منابع زیادی هم‌چون رسانه‌ها، همسالان، مدرسه، اجتماع و فرهنگ نقش دارند (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲؛ داتیلیو، ۲۰۱۸)؛ اما خانواده مبدأ و تجربه‌هایی که در این خانواده به دست می‌آید،

به عنوان اولین و مهم‌ترین این منابع شناخته می‌شود، از آنجا که استانداردها ملاک‌هایی برای ارزیابی رابطه هستند که از طریق یادگیری و تجربه به دست می‌آیند (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲؛ داتیلیو، ۲۰۱۸)، بنابراین نحوه تعامل والدین با یکدیگر، اولین منبع یادگیری و شکل‌گیری استانداردهاست. تعارضات زوجی، روابط آشفته خانوادگی و تجربیاتی همانند تجربه طلاق می‌تواند در شکل‌گیری استانداردهای ما نقش داشته باشند (لانگینریچسن روهلینگ و دوستال^{۳۰}، ۱۹۹۶).

تجربه طلاق والدین، اثربخشی عمیقی در ایجاد باورهای غیرمنطقی و شناخت‌های منفی معطوف به رابطه در کودکان دارد (دوستال و روهلینگ، ۱۹۹۶؛ وایمنت^{۳۱}، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان داده است فرزندان طلاق، انتظارات پایینی نسبت به ازدواج خود و رابطه عاشقانه‌شان دارند (مارانکا - هود^{۳۲}، ۲۰۱۳؛ جلفمن^{۳۳}، ۱۹۹۵؛ شیمکوسکی، پانیانات کارتر، کلول و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۸). بویر - پنینگتون، پنینگتون و اسپینک^{۳۵}، در پژوهشی که در سال ۲۰۰۱ انجام دادند، دریافتند که اگرچه کودکان طلاق علاوه بر نگرش منفی نسبت به ازدواج، انتظارات پایینی از زندگی مشترک‌شان داشته و کمتر به زندگی زناشویی و آینده روابط عاشقانه‌شان خوش‌بین‌اند، با این وجود، فرزندان که چندین بار شاهد طلاق والدین خود بوده‌اند، بر این باورند که طلاق والدین نه تنها عامل خطر برای آن‌ها محسوب نمی‌شود؛ بلکه باعث می‌شود آن‌ها با توجه به تجربیاتی که از زندگی زناشویی والدین‌شان به دست آوردند، اشتباهات والدین‌شان را تکرار نکنند و کنترل بیشتری بر زندگی زناشویی خود داشته باشند.

علاوه بر این طلاق والدین موجب می‌شود تا افراد باورهای مخربی را نسبت به روابط عاشقانه شکل دهند، نوجوانان و کودکان طلاق با توجه به تجاربی که از روابط والدین با یکدیگر کسب می‌کنند، باورهایشان را در باب عشق و رابطه رمانتیک شکل می‌دهند (رولاند^{۳۶}، ۲۰۰۶). این باورهای مخرب به تأخیر در شکل‌گیری رابطه عاشقانه منجر می‌شود (کوی، فینچام و دورتسچی^{۳۷}، ۲۰۱۰).

هم‌چنین فرزندان طلاق نسبت به فرزندان عادی بیشتر دچار مفروضه ناکارآمد «اختلاف‌نظر برابر است با ناسازگاری» می‌شوند (سینکلیر و نلسون^{۳۸}، ۱۹۹۸)؛ از این رو فرزندان طلاق به شدت از اختلاف‌نظر اجتناب می‌کنند و آن را مخرب یک رابطه صمیمی می‌دانند. البته فرانکلین، بولمن و رابرتز^{۳۹} (۱۹۹۰) با پژوهشی که روی فرزندان طلاق انجام دادند، به نتایج متفاوتی دست یافتند. آن‌ها معتقدند فرزندان که در خانواده‌های پرتنش زندگی می‌کنند، نسبت به فرزندان طلاق مفروضات مخرب‌تری درباره خود و رابطه دارند و اگر فرزندان طلاق مفروضات مخربی داشته باشند، در گذر زمان از بین خواهد رفت. علاوه بر این، دیلن^{۴۰} (۲۰۰۵) و پن^{۴۱} (۲۰۱۴) نیز با بررسی انتظارات زناشویی در افرادی که طلاق والدین را تجربه کرده‌اند، به نتایج مشابهی دست یافتند که اگرچه طلاق والدین بر انتظارات زناشویی فرزندان مؤثر است، اما فرزندان که سطوح بالاتری از نزاع و تنش را در خانواده‌هایشان تجربه کردند، انتظارات زناشویی ناکارآمدتری دارند.

بنابراین به طور کلی، سیستم شناختی یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند در تبیین پدیده انتقال بین‌نسلی طلاق مؤثر باشد. تحقیقات پیشین، تنها به بررسی نقش نگرش به طلاق، مفروضات و انتظارات زناشویی به عنوان سیستم شناختی مؤثر در انتقال بین‌نسلی طلاق پرداخته‌اند و تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی استانداردها و اسنادهای ارتباطی به عنوان جزء مهم سیستم شناختی افراد نپرداخته است، بنابراین با توجه به اینکه خانواده و تجارب کودکی در شکل‌دهی استانداردهای زندگی مشترک مؤثر است و استانداردها

و اسنادها نقش مهمی در رضایت زناشویی بازی می‌کنند، از این رو بررسی نقش آن‌ها در پدیده انتقال بین‌نسلی طلاق بسیار حائز اهمیت است، زیرا با نادیده‌گرفتن تأثیر طلاق والدین بر شکل‌گیری اسنادها و استانداردهای ناکارآمد، شاهد ناسازگاری‌هایی در زوجین هستیم که از قبل قابل پیش‌بینی بوده است. علاوه بر این با تکرار چرخه طلاق ممکن است زوجین آثار روانی منفی‌تری هم‌چون افسردگی و احساس تنهایی را تجربه کنند (آماتو^{۴۲}، ۲۰۱۰). در واقع این پژوهش بر آن است تا با مقایسه استانداردهای زندگی مشترک و اسنادهای ارتباطی در فرزندان متأهل با تجربه طلاق و بدون تجربه طلاق، دریابد که آیا طلاق والدین به عنوان یک تجربه مهم در خانواده مبدأ بر شکل‌گیری استانداردها و اسنادهای زندگی مشترک مؤثر هستند؟

روش

در این پژوهش به منظور بررسی استانداردها و اسنادهای رابطه در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین، افراد متأهل با و بدون تجربه طلاق والدین با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از این رو پژوهش حاضر یک مطالعه علی - مقایسه‌ای است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل تمامی افراد متأهل با و بدون سابقه طلاق والدین است که اطلاعات دقیقی از تعداد آن در دست نیست. نمونه‌گیری این پژوهش در دو مرحله در دسترس و هدفمند انجام شده است. در مرحله اول ابتدا ۶۹ نفر افراد متأهل با تجربه طلاق والدین که قبل از ۱۸ سالگی طلاق والدین را تجربه کرده‌اند، انتخاب شدند. سپس در مرحله دوم به صورت هدفمند از میان متأهلان بدون تجربه طلاق والدین، ۶۹ نفر از افرادی انتخاب شدند که از لحاظ جنس، شهر محل زندگی، تحصیلات و بازه سنی با گروه متأهلان با تجربه طلاق والدین هم‌تا شده‌اند. بنابراین ۶۹.۵ درصد از افراد در دو گروه متأهلان با و بدون تجربه طلاق را زنان و ۳۰.۴۴ درصد از افراد هر گروه نیز شامل مردان می‌شود. میانگین سن گروه متأهلان با تجربه طلاق ۳۲ سال و انحراف معیار آن ۷.۲ بود. میانگین سن گروه متأهلان بدون تجربه طلاق والدین ۳۱ سال و انحراف معیار آن ۷.۸ بود. طول مدت ازدواج متأهلان در دو گروه با و بدون تجربه طلاق والدین به ترتیب ۸ و ۱۰ سال است. بازه سنی تجربه طلاق والدین در پژوهش حاضر ۱ تا ۱۸ سال است.

ابزارهای پژوهش

فرم اطلاعات دموگرافیک

این فرم جهت بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها (سن، جنس، میزان تحصیلات و برای فرزندان طلاق: سن آن‌ها هنگام طلاق والدین، ارزیابی فرزندان از میزان نزاع بین والدین) با توجه به ادبیات پژوهشی طراحی شده است.

پرسشنامه اختصاصی استانداردهای رابطه (ISRS): توسط باکوم، اپستین، رانکین و همکاران (۱۹۹۶) به منظور بررسی استانداردهای زوجین در چهار حوزه مهم و اصلی مرزها، کنترل - قدرت، سرمایه‌گذاری ابرازی و ابزاری در رابطه زناشویی طراحی شده است.

به طور کلی این پرسشنامه بایدهای زوجین در ۱۲ بعد متفاوت زندگی زناشویی را در این چهار حوزه مرزها، کنترل - قدرت، سرمایه‌گذاری ابرازی و ابرازی می‌پردازد؛ بنابراین این ابزار خودگزارش‌دهی دارای ۴۸ ماده (۴×۱۲) است که هر یک از این ۴۸ ماده به گردآوری اطلاعات در سه بخش اصلی می‌پردازد:

۱. این بخش استانداردهای واقعی هر فرد را درباره این که نوع خاصی از رفتار/ خصوصیات همسر یا زندگی مشترک به چه میزان روی می‌دهد را از طریق مقیاس لیکرت (هرگز) تا (همیشه) ارزیابی می‌کند
۲. این بخش به بررسی میزان رضایت افراد از تحقق ملاک و معیارهایی که برای زندگی مشترک در نظر گرفته‌اند، می‌پردازد؛ از این رو برای سنجش این مهم از پاسخ‌دهندگان می‌خواهد که به سؤال «آیا شما از نحوه برآورده شدن استانداردهایتان در رابطه رضایت دارید» پاسخ بله یا خیر بدهند.
۳. بخش سوم با هدف ارزیابی پاسخ هیجانی فرد از آزمودنی خواسته می‌شود که برای پاسخ به سؤال اگر استانداردهای شما در رابطه برآورد نشود، تا چه میزان ناراحت خواهید شد؟ یکی از سه گزینه اصلاً ناراحت نمی‌شوم، تا حدودی ناراحت می‌شوم و بسیار ناراحت می‌شوم را انتخاب کند.

نمره بالا در خرده‌مقیاس مرزها نشان می‌دهد افراد باید سهم زیادی را در رابطه با همسرشان تقسیم کنند، نمره پایین نشانگر این است که شخص معتقد است باید بیشتر بین زوجها جدایی باشد. نمره بالا در خرده‌مقیاس کنترل/ قدرت نشان می‌دهد که شخص معتقد است زوجها باید با هم مسئولیت تصمیم‌گیری را به عهده بگیرند. در حالی که نمره پایین می‌گوید تنها یکی از زوجها باید تصمیم‌گیری کند. نهایتاً، نمره بالا در خرده‌مقیاس سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده این است که شخص پاسخ‌دهنده معتقد است که زوجها باید اغلب اوقات تعهد و توجه‌شان را به یکدیگر نشان دهند، در حالی که نمره پایین پیشنهاد می‌کند که شخص معتقد است نیازی نیست زوجها تعهد و توجه‌شان را به یکدیگر نشان دهند.

ارزیابی همسانی درونی پنج حوزه استاندارد نشان داد که ضریب آلفا برای هر یک از این مقیاس‌ها بین ۰.۶۵ تا ۰.۷۷ متغیر است. این پرسشنامه نخستین بار در ایران توسط برازنده^{۴۳} (۱۳۸۴) هنجاریابی شد و بر پایه این ارزیابی همسانی درونی نسخه فارسی این پرسشنامه در حد ضریب آلفا برای چهار زیرمقیاس ۰.۹۱-۰.۸۳ و برای کل پرسشنامه ۰.۹۶ است. در پژوهش دیگری که فتاحی^{۴۴} (۱۳۸۸) انجام داد، میزان همبستگی درونی هر چهار جهت در زنان و مردان بین ۸۴ درصد و ۷۴ درصد بوده است. ضریب پایایی نیز در چهار جهت با ۸۸ درصد مربوط به استانداردهای حوزه کنترل بوده و استانداردهای حوزه مرزها با ضریب ۷۴ درصد کمترین حد روایی را داشتند.

خجسته‌مهر، نادری و سودانی (۱۳۹۲) نیز نشان دادند پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ در مردان برای خرده‌مقیاس مرزها ۰.۸۳، خرده‌مقیاس سرمایه‌گذاری عاطفی ۰.۸۰ و نمره کل ۰.۹۴ و در زنان برای خرده‌مقیاس مرزها ۰.۸۳، خرده‌مقیاس کنترل ۰.۸۹، خرده‌مقیاس سرمایه‌گذاری ابزاری ۰.۷۹، خرده‌مقیاس سرمایه‌گذاری ابرازی ۰.۸۳ و نمره کل ۰.۹۵ است.

پرسشنامه اسنادهای ارتباطی: این مقیاس توسط بردباری و فینچام (۱۹۹۲) به منظور بررسی دیدگاه همسران در خصوص علت مشکلات و وقایع رخ داده در زندگی زناشویی طراحی شده است. این پرسشنامه یک مقیاس خودگزارشی ۲۴ سؤالی است که شامل دو زیرمقیاس اسنادهای علی و اسنادهای مسئولیت می‌شود. این مقیاس بر موقعیت‌های منفی در ارتباط زناشویی تمرکز می‌کند. برای هر یک از این موقعیت‌ها یک گزاره

با طیف لیکرت شش درجه‌ای (از ۱=کاملاً مخالف تا ۶=کاملاً موافق) برای سنجش دو بعد اسناد علی و مسئولیت وجود دارد. نمره بالا در بعد اسناد علی نشان‌دهنده سبک اسناددهی منفی در افراد است و مشخص می‌کند که فرد تمایل زیادی دارد که نشان دهد چه کسی یا چه چیزی سبب مشکل شده و رفتارهای منفی همسر را به ویژگی‌های درونی، کلی و غیر قابل تغییر او نسبت دهد. در حالی که نمرات بالا در اسناد مسئولیت نشان‌دهنده تمایل زوجین برای مقصر و عمدی جلوه‌دادن رفتارهای دیگران است؛ بنابراین نمره فرد در هر زیرمقیاس می‌تواند از ۱۲ تا ۷۲ متغیر باشد و نمره کلی اسناد فرد می‌تواند در دامنه بین نمره ۲۴ تا ۱۴۴ قرار بگیرد. نمره بالا در هر یک از زیرمقیاس‌ها و همچنین در نمره کلی نشان‌دهنده سبک اسنادی منفی‌تر در افراد است (غفاری^{۴۵}، ۱۳۸۶).

بردباری و فینچام (۱۹۹۲) پایایی سنج اسناد ارتباطی از طریق همسانی درونی را محاسبه کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های بعد علی در زنان، ۰.۸۹ و برای مردان ۰.۸۶ به دست آمد. همچنین برای بعد مسئولیت‌پذیری، پایایی این آزمون برای زنان ۰.۹۳ و برای مردان ۰.۹۱ به دست آمد که حاکی از پایایی مطلوب و رضایت‌بخش برای بعد علی و بعد مسئولیت‌پذیری مقیاس اسناد ارتباطی است. همچنین آن‌ها مقیاس اسناد ارتباطی را با پرسشنامه اسنادهای مشکلات زناشویی همبسته کردند و ضریب همبستگی آن‌ها را در بعد علی برای زنان ۰.۴۳ و برای مردان ۰.۴۸ و در بعد مسئولیت‌پذیری - سرزنش برای زنان ۰.۳۱ و برای مردان ۰.۶۳ محاسبه کردند که همگی در سطح $P < 0.001$ معنادار هستند.

پایایی نسخه فارسی پرسشنامه اسناد ارتباطی توسط فتاحی (۱۳۸۸) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ همسانی درونی برای بعد علی و بعد مسئولیت‌پذیری را به ترتیب ۰.۸۳ و ۰.۹۳ به دست آوردند. این محقق در بررسی پایایی آزمون - بازآزمون با فاصله دو هفته نتایج اسناد علی ۰.۶۳، اسناد مسئولیت‌پذیری ۰.۷۰ و کل پرسشنامه ۰.۶۹ دست یافت. مطالعه خجسته‌مهر، کرای و رجبی^{۴۶} (۱۳۸۹) نیز پایایی آلفای کرونباخ برای بعد علی و بعد مسئولیت‌پذیری را به ترتیب ۰.۶۹ و ۰.۸۳ نشان داد. همچنین خجسته‌مهر، امان‌الهی، زهره‌ای و همکاران^{۴۷} در پژوهشی که در سال ۱۳۹۳ به منظور بررسی آلفای کرونباخ این مقیاس انجام دادند، ضریب آلفا را برای بعد علی ۰.۷۳ و بعد مسئولیت‌پذیری ۰.۷۸ به دست آوردند.

روش تحلیل داده‌ها

در این مطالعه برای بررسی تفاوت میان متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون t استفاده شده است.

یافته‌ها

در مطالعه حاضر به طور کلی ۲۰۳ آزمودنی در دو گروه متأهلان با تجربه طلاق والدین و متأهلان بدون تجربه طلاق والدین شرکت کرده‌اند که داده‌های ۶۹ نفر از این آزمودنی‌ها تحت عنوان متأهلان با تجربه طلاق والدین مورد بررسی قرار گرفت. ۶۹/۶ درصد این گروه را زنان و ۳۰/۴ درصد آن‌ها را مردان تشکیل

می‌دهند و ۱۲۸ نفر از آزمودنی‌ها که تحت عنوان متأهلان بدون تجربه طلاق والدین در این پژوهش شرکت کردند، در دو گروه کنترل ۶۹ نفره جای گرفتند. در جدول ۱ نتایج مربوط به میانگین و انحراف استانداردها ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیر استانداردهای زناشویی در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین

بدون تجربه طلاق والدین		با تجربه طلاق والدین		متغیر استانداردها
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۵۲۰۹۸	۳/۶۴۳۵	۰/۶۳۵۴۰	۳/۵۹۰۴	مرزها
۰/۴۷۵۵۹	۳/۹۴۷۸	۰/۵۵۰۹۴	۳/۸۵۶۱	کنترل
۰/۵۰۷۴۶	۳/۷۶۵۹	۰/۶۲۳۷۵	۳/۶۷۷۵	سرمایه‌گذاری ابرازی
۰/۴۹۵۹۶	۴/۰۳۳۸	۰/۵۹۱۲۲	۳/۷۸۲۸	سرمایه‌گذاری ابرازی

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین تمامی حوزه‌های استانداردهای متأهلان بدون تجربه طلاق والدین بیشتر از متأهلان بدون تجربه طلاق والدین است. قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چندمتغیره جهت رعایت فرض‌های آن از آزمون لوین و MBOX استفاده شد. بر اساس آزمون ام‌باکس شرط همگنی ماتریس‌های واریانس رعایت شده است ($p=0.541$ و $F=9.26$, $MBOX=9,216$).

جدول ۲: نتایج مربوط به تست لوین به منظور تحلیل واریانس بین‌گروهی آزمودنی در حوزه‌های استانداردهای زناشویی

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	F	استانداردها
۰.۳۱۵	۱۲۹	۱	۱.۰۱۸	مرز
۰.۲۵۴	۱۲۹	۱	۱.۳۱۲	کنترل
۰.۱۵۳	۱۲۹	۱	۲.۰۷۱	سرمایه‌گذاری ابرازی
۰.۲۰۹	۱۲۹	۱	۱.۵۹۷	سرمایه‌گذاری ابرازی

هم‌چنین بر اساس نتایج آزمون لوین که در جدول ۲ ارائه شده است، شرط برابری واریانس‌ها برای همه متغیرها رعایت شده است. نتایج مربوط به تحلیل واریانس گروهی حوزه‌های مختلف استاندارد (مرزها، کنترل، سرمایه‌گذاری ابرازی و ابرازی) بین متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳: نتایج آزمون‌های معناداری تحلیل واریانس به منظور مقایسه حوزه‌های استانداردها در متأهلان با و بدون تجربه طلاق

شاخص منابع تغییرات	ارزش	F	فرضیه درجه آزادی	خطای درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون پیلابی	۰۰۰۸۴	۲۸۹۲	۴۰۰۰	۱۲۶۰۰۰	۰۰۰۲۵

نتایج ارائه شده در جدول فوق نشان می‌دهد که اثر گروه بر متغیر وابسته معنادار است. به عبارت دیگر حداقل در یکی از حوزه‌های استاندارد زندگی مشترک در بین متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت وجود دارد.

در جدول ذیل نتایج مربوط به تحلیل واریانس بین گروهی قابل مشاهده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس بین گروهی به منظور مقایسه حوزه‌های استاندارد در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین

شاخص منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
اثر گروه	مرزها	۱	۰۰۳۵	۰۰۱۰۵	۰۰۷۴۶
	کنترل	۱	۰۰۲۷۱	۱۰۰۱	۰۰۳۱۷
	سرمایه‌گذاری ابزاری	۱	۰۰۱۳۲	۰۰۳۹۵	۰۰۵۳۱
	سرمایه‌گذاری ابرازی	۱	۱۶۱۰	۱۶۱۰	*۰۰۰۲۱
اثر خطا	مرزها	۱۲۹	۰۰۳۳۰		
	کنترل	۱۲۹	۰۰۲۶۸		
	سرمایه‌گذاری ابزاری	۱۲۹	۰۰۳۳۳		
	سرمایه‌گذاری ابرازی	۱۲۹	۰۰۲۹۷		

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان می‌دهد که تنها میانگین متغیر استانداردهای سرمایه‌گذاری ابزاری به طور معناداری در متأهلان با تجربه طلاق والدین بیشتر از متأهلان بدون تجربه طلاق والدین است.

در جدول ۵ میانگین و انحراف استانداردهای مربوط به ابعاد اسنادهای رابطه ارائه شده است.

جدول ۵: میانگین و انحراف استاندارد خرده‌مقیاس‌های اسنادهای رابطه در دو گروه با و بدون تجربه طلاق والدین

	بدون تجربه طلاق والدین		با تجربه طلاق والدین	
	SD	μ	SD	μ
انگیزش	۱/۰۲۶۶۷	۳/۰۰۷۴	۱/۱۳۲	۳/۳۱۷۲
سرزنش	۱/۰۸۹۶۹	۲/۴۵۶۵	۱/۲۸۵	۳/۱۰۲۹
قصد	۱/۰۷۹۹۸	۲/۴۹۶۴	۱/۳۰۸	۳/۳۱۲۵

ادامه جدول ۵

۰.۹۶۵۷۸	۳/۰۴۴۱	۱.۱۶۴	۳/۲۵۷۴	فراگیری
۰.۹۴۸۶۶	۲/۸۹۷۷	۱.۱۱۸	۳/۳۰۵۱	ثبات
۰.۹۰۶۸۰	۳/۲۵۳۷	۱.۱۶۵	۳/۴۸۹۱	جایگاه
۰.۸۵۱۸۴	۳/۰۵۹۹	۱.۰۴۷	۳/۳۵۸۲	علت
۱/۰۰۰۶۲	۲/۶۵۲۰	۱.۱۶۷	۳/۲۲۵۶	مسئولیت

همان‌طور که در جدول فوق نشان داده شده است، میانگین نمرات تمامی ابعاد اسنادهای رابطه در متأهلان با تجربه طلاق والدین بیشتر از متأهلان بدون تجربه طلاق والدین است.

جدول ۶: نتایج آزمون t برای مقایسه اسنادهای رابطه در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین

آزمون t برای مقایسه میانگین					آزمون لوین			
فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	t	سطح معناداری	F	اسناد
بالا	پایین							
۰.۷۶۳	۰.۰۶۳	۰.۴۱۳۴۱	۰.۰۲۱	۱۲۶	۲.۳۳۸	۰.۲۵۵	۱.۳۰۷	واریانس برابر
۰.۷۶۳	۰.۰۶۳	۰.۴۱۳۴۱	۰.۰۲۱	۱۲۲.۳	۲.۳۳۸			واریانس نابرابر

نتایج آزمون t نشان می‌دهد که تفاوت میانگین اسنادهای رابطه در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین معنادار است. برای بررسی معناداری تفاوت بین دو بعد اسنادهای علیت و مسئولیت از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده است.

قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چندمتغیره جهت رعایت فرض‌های آن از آزمون لوین و MBOX استفاده شد. بر اساس آزمون ام‌باکس شرط همگنی ماتریس‌های واریانس رعایت شده است ($p=0.036$ و $F=2.85$, $MBOX=8.718$).

جدول ۷: نتایج مربوط به تست لوین به منظور تحلیل واریانس بین گروهی

آزمودنی در اسنادهای رابطه

اسنادها	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
علیت	۰.۴۲۹	۱	۱۲۶	۰.۵۱۳
مسئولیت	۳.۶۱۰	۱	۱۲۶	۰.۰۶۰

هم‌چنین بر اساس نتایج آزمون لوین که در جدول ۷ ارائه شده است، شرط برابری واریانس‌ها برای همه متغیرها رعایت شده است.

نتایج مربوط به تحلیل واریانس گروهی دو بعد اسنادهای علیت و مسئولیت در رابطه بین متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۸: نتایج آزمون‌های معناداری تحلیل واریانس برای مقایسه ابعاد اسنادهای رابطه

در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین

شاخص منابع تغییرات	ارزش	F	فرضیه درجه آزادی	خطای درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون پیلابی	۰۰۰۸۳	۵۶۶۵	۲۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	۰۰۰۰۴

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، حداقل بین یکی از خرده‌مقیاس‌های اسنادهای رابطه در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت وجود دارد.

جدول ۹: نتایج تحلیل واریانس بین‌گروهی آزمودنی‌ها در خرده‌مقیاس‌های

اسنادهای رابطه

شاخص منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
اثر گروه	۲۰۴۶۱	۱	۲۰۴۶۱	۲۶۴۷	۰۰۱۰۶
	۹۶۶۲	۱	۹۶۶۲	۸۰۱۵	۰۰۰۰۵
اثر خطا	۱۱۷۰۱۵۱	۱۲۶	۰۰۹۳۰		
	۱۵۱۰۸۹۴	۱۲۶	۱۲۰۶		

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان می‌دهد که تنها میانگین متغیر اسناد مسئولیت به طور معناداری در متأهلان با تجربه طلاق والدین بیشتر از متأهلان بدون تجربه طلاق والدین است. این پژوهش به منظور بررسی معناداری این تفاوت در ابعاد اسنادهای مسئولیت از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده کرده است. قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چندمتغیره جهت رعایت فرض‌های آن از آزمون لوین و MBOX استفاده شد. بر اساس آزمون ام‌باکس شرط همگنی ماتریس‌های واریانس رعایت شده است ($F=0.998$, $MBOX=6.079$, $p=0.43$).

جدول ۱۰: نتایج مربوط به تست لوین به منظور تحلیل واریانس بین‌گروهی

آزمودنی در ابعاد اسنادهای مسئولیت

اسنادهای مسئولیت	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
انگیزش	۱۰۰۸۶	۱	۱۳۱	۰۰۲۹۹
سرزنش	۰۰۸۱۵	۱	۱۳۱	۰۰۳۶۸
قصد	۲۰۳۹۰	۱	۱۳۱	۰۰۱۲۵

هم‌چنین بر اساس نتایج آزمون لوین که در جدول ۱۰ ارائه شده است، شرط برابری واریانس‌ها برای همه متغیرها رعایت شده است. نتایج مربوط به تحلیل واریانس گروهی ابعاد اسنادهای مسئولیت در رابطه بین متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین در جدول ۳ قابل مشاهده است. نتایج مربوط به تحلیل واریانس گروهی ابعاد اسنادهای مسئولیت (انگیزش، سرزنش و قصد) در رابطه بین متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین در جدول ۱۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱۱: نتایج آزمون‌های معناداری تحلیل واریانس برای مقایسه ابعاد اسناد مسئولیت

در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین

شاخص منابع تغییرات	ارزش	F	فرضیه درجه آزادی	خطای درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون پیلایی	۰.۱۵۷	۸.۰۲۸	۳.۰۰۰	۱۲۹.۰۰۰	۰.۰۰۰

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، اثر گروه بر متغیر وابسته معنادار است. به عبارتی حداقل بین یکی از ابعاد مربوط به اسنادهای مسئولیت در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت وجود دارد.

جدول ۱۲: نتایج تحلیل واریانس بین‌گروهی آزمودنی‌ها در ابعاد اسناد مسئولیت

شاخص منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
اثر گروه	انگیزش	۳.۱۵	۳.۱۵	۲.۶۶	۰.۱۰۵
	سرزنش	۱۱.۲۹	۱۱.۲۹	۷.۹۵	*۰.۰۰۶
	قصد	۲۲.۸۹	۲۲.۸۹	۱۵.۸۱	*۰.۰۰۰
اثر خطا	انگیزش	۱۵۵.۰۳	۱۳۱	۱.۱۸	
	سرزنش	۱۸۶.۰۲	۱۳۱	۱.۴۲	
	قصد	۱۸۹.۶۴	۱۳۱	۱.۴۴	

نتایج تحلیل واریانس بین‌گروهی حاکی از تفاوت معنادار میانگین نمرات دو مقیاس سرزنش و قصد در دو گروه متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین می‌شود. به طوری که متأهلان با تجربه طلاق والدین بیشتر از سبک‌های اسنادی منفی سرزنش و قصد یا عمد استفاده می‌کنند.

جدول ۱۳: نتایج آزمون t به منظور مقایسه رضایت زناشویی در متأهلان با

سابقه و بدون سابقه طلاق والدین

آزمون t برای مقایسه میانگین					آزمون لوین			
فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	t	سطح معناداری	F	رضایت زناشویی
بالا	پایین							
۱.۱۸	-۲.۸۲	-۰.۸۰۷	۰.۴۲۴	۱۲۰	-۰.۸۰۲	۰.۲۷۵	۱.۲۰	واریانس برابر
۱.۲۰	-۲.۸۲	-۰.۸۰۷	۰.۴۲۹	۱۱۰.۳	-۰.۷۹۳			واریانس نابرابر

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، نمره رضایت زناشویی در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت ندارد. شاخص‌های توصیفی نزاع والدین در جدول ۱۴ ارائه شده است.

جدول ۱۴: شاخص‌های توصیفی مربوط به نزاع والدین

گروه	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
با تجربه طلاق والدین	۶۹	۴.۲۶	۱.۸۷
بدون تجربه طلاق والدین	۶۹	۳.۲۰	۱.۴۰

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۱۴ میانگین نزاع والدین در متأهلان با تجربه طلاق والدین بیشتر از متأهلان بدون تجربه طلاق والدین است. به منظور مقایسه نزاع والدین در دو گروه متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین از آزمون یومان ویتنی استفاده شده است.

جدول ۱۵: نتایج آزمون یومان ویتنی به منظور مقایسه نزاع والدین در دو گروه

متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین

گروه	فراوانی	میانگین رتبه‌ها	نمره یومان ویتنی	سطح معناداری
با تجربه طلاق والدین	۶۹	۷۳.۲۷	۱۲۲۳.۵۰۰	۰.۰۰۰
بدون تجربه طلاق والدین	۵۶	۵۰.۳۵		
نمره کل	۱۲۵			

طبق یافته‌های مشاهده شده در جدول ۱۵، ادراک نزاع والدین در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت دارد و افرادی که دارای تجربه طلاق والدین هستند، میزان بیشتری از نزاع والدین را تجربه می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تجربه طلاق والدین به ایجاد تفاوت در زمینه استانداردهای زناشویی منجر نمی‌شود؛ مگر در حوزه سرمایه‌گذاری ابرازی، بنابراین تجربه طلاق والدین به‌تنهایی برای ایجاد تغییر در استانداردهای زندگی مشترک متأهلان کافی نیست؛ چراکه استانداردها به عنوان شناختی دیرپا و عمیق محسوب می‌شوند که علاوه بر تجارب کودکی و خانواده، عوامل بسیاری هم‌چون فرهنگ، ارتباطات اجتماعی و رسانه و دوستان در ایجاد آن مؤثر هستند (باکوم و همکاران، ۱۹۹۶؛ باکوم و همکاران، ۱۹۸۹؛ اپستین و باکوم، ۲۰۰۲؛ هیو، هالفورد، ویجور^{۴۸} و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهشی که ملک عسگر^{۴۹} نیز در سال ۱۳۹۰ در زمینه بررسی استانداردهای زندگی مشترک در سه نسل انجام داد، به تفاوت استانداردهای زندگی مشترک سه نسل مردم تهران که ناشی از حرکت به سوی مدرنیته بود، اشاره کرد؛ بنابراین استانداردهای رابطه به عنوان یک سیستم شناختی در فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرند. در گذشته فرایند جامعه‌پذیری تحت تأثیر خانواده شکل می‌گرفت، اما امروزه با رشد فناوری (حسین‌پور و عرب مؤمنی^{۵۰}، ۱۳۹۶) و ظهور تمدن‌های جدید جامعه می‌توان اذعان داشت که علاوه بر خانواده عوامل دیگری نیز در فرایند جامعه‌پذیری نقش دارد (موتابی، پورا برهیم، عسگری نظری^{۵۱}، ۱۳۹۵)؛ بنابراین در جامعه امروزی که دستخوش تغییرات اجتماعی و فرهنگی زیادی شده؛ علاوه بر خانواده، منابع مهم بسیاری در چگونگی شکل‌گیری سیستم شناختی افراد مؤثر خواهد بود.

علاوه بر این طلاق والدین به عنوان تجربه‌ای که فرزندان در بستر خانواده آن را متحمل می‌شوند، بسیار پیچیده است و عوامل متعددی می‌تواند آن را به تجربه‌ای ناگوار و آسیب‌زا مبدل کند (آماتو، ۱۹۹۶؛ ولفینگر^{۵۲}، ۲۰۰۰). ازدواج مجدد والدین، رابطه فرزند - والد پس از طلاق و سبک دلبستگی از جمله مواردی

هستند که می‌توانند تعیین‌کننده سازگاری فرزندان با طلاق والدین باشند. ماهل^{۵۳} (۲۰۰۱) معتقد است که طبق تئوری دلبستگی وجود یک مراقب حامی و در دسترس نقش مهمی در ایجاد یک مدل شناختی در زمینه‌های اعتماد، شایستگی و حتی روابط عاشقانه می‌شود (به نقل از هازن و شیور^{۵۴}، ۱۹۸۷)؛ بنابراین فرزندی که طلاق والدین را تجربه می‌کند، اگر پس از طلاق، حداقل حمایت یکی از والدین را دریافت کند، یک مدل «کارکرد درونی» را تشکیل دهند که به آن‌ها اجازه می‌دهد برای شروع یک روابط عاشقانه اعتماد به نفس کامل داشته باشند و بتوانند به شریک عشقی خود اعتماد کرده و برای ایجاد صمیمیت بیشتر در رابطه تلاش کنند.

طبق یافته‌های حاصل از این پژوهش تنها میانگین خرده‌مقیاس استانداردهای سرمایه‌گذاری ابرازی است که در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت معناداری دارد. نمرات پایین در سرمایه‌گذاری ابرازی نشان‌دهنده این است که افراد بر این باورند که زوجین نیازی به ابراز احساسات و توجه ندارند؛ بنابراین تجربه طلاق والدین می‌تواند به ارتباط ضعیف بین زوجین منجر شود. ساندرز، هالفورد و بهرنس^{۵۵} در پژوهشی که در سال ۱۹۹۹ انجام دادند، دریافتند که طلاق والدین به مشکلات ارتباطی در زنان منجر شده و زنانی که طلاق والدین را تجربه می‌کنند، نرخ بیشتری از رفتارهای کلامی و غیرکلامی منفی را نشان خواهند داد. اما تجربه طلاق والدین به‌تنهایی به مشکلات عاطفی و ارتباطی فرزندان در بزرگسالی منجر نخواهد شد، عامل اصلی در مشکلات روابط عاشقانه فرزندان، میزان اختلافات و درگیری‌های بین والدین است. فرزندی که رابطه والدین‌شان را منفی و مخرب ارزیابی می‌کنند، در بزرگسالی آشفتگی در روابط را تجربه خواهند کرد. آن‌ها حتی اعتماد به نفس لازم برای حفظ یک رابطه طولانی‌مدت را هم ندارند (موریسون، فیف و هرتلین^{۵۶}، ۲۰۱۷). در واقع طلاق و اختلافات درونی والدین پیش‌بینی‌کننده مشکلات ارتباطی فرزندان در روابط عاشقانه خواهد بود (برایتویت، داکسی، داودل و همکاران^{۵۷}، ۲۰۱۶). یارنوز - یابن و گارمندیا^{۵۸} (۲۰۱۶) طی پژوهشی دریافتند که برنامه آموزشی برای خانواده‌ها بعد از طلاق، می‌تواند نزاع میان والدین را کاهش بدهد و از گرفتار شدن فرزندان در اختلافات والدین به عنوان پیام‌رسان جلوگیری خواهد کرد. هم‌چنین این برنامه‌های آموزشی بعد از طلاق، با ارتقای مهارت‌های فرزندپروری به بهبود روابط عاشقانه فرزندان در بزرگسالی و مهارت‌های ارتباطی خانواده منجر می‌شود.

تجربه طلاق والدین علاوه بر استانداردهای سرمایه‌گذاری ابرازی، به تفاوت در اسنادهای رابطه فرزندان نیز منجر می‌شود. این بدان معنی است که تجربه طلاق والدین می‌تواند در شکل‌دهی اسنادهای رابطه مؤثر باشد.

نتایج تحقیقات گاردنر، بازی، بور و همکاران^{۵۹} (۲۰۱۱)، هو، یو، فانگ و همکاران^{۶۰} (۲۰۱۶)، پرویت، اسپنس و چاکنیس^{۶۱} (۱۹۸۱) این یافته را تأیید می‌کنند. آن‌ها معتقدند اسنادهای رابطه تحت تأثیر تجاربی که افراد در خانواده مبدأ متحمل می‌شوند، شکل می‌گیرند. در واقع تجربه آشفتگی‌های موجود در خانواده مبدأ، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده اسنادهای ارتباطی ناکارآمد در زندگی مشترک فرزندان باشد (گاردنر، بازی، بور و همکاران، ۲۰۱۱). طبق یافته‌های ارائه‌شده در این پژوهش، از میان دو بعد اسنادهای علی و اسنادهای مسئولیت تنها اسنادهای مسئولیت است که در بین متأهلان با تجربه طلاق والدین و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت معنادار دارد و از بین خرده‌مقیاس‌های اسنادهای مسئولیت این تفاوت در دو بعد قصد و

سرزنش معنادار است و این بدان معنی است که فرزندان طلاق بیشتر از متأهلان بدون تجربه طلاق رفتار همسرشان را در موقعیت‌های ناخوشایند عامدانه ارزیابی کرده و او را سزاوار سرزنش می‌دانند. داشتن دو سبک اسنادی سرزنش و قصد یا عمد می‌تواند ناشی از طرحواره بی‌اعتمادی در این فرزندان باشد (ویسمن و یوبلاکر، ۲۰۰۷). اعتماد به همسر و موفقیت یک رابطه نیز از جمله شناخت‌های مربوط به رابطه است که طلاق والدین بر آن تأثیرگذار خواهد بود. تجربه طلاق والدین برای جوانان به منزله نقض اعتماد به روابط پایدار و همسران است. از این رو آن‌ها ممکن است با تکیه بر همین تجربه کمتر به شریک خود و موفقیت رابطه‌شان اعتماد کنند و ترس از شکست رابطه و طرد شدن را در ذهن خود بپرورانند. فرانکلین، جانوف بولمن و روبرتز (۱۹۹۰) در پژوهشی که روی فرزندان طلاق دانشجو انجام دادند دریافتند که اگرچه بین میزان اعتماد آن‌ها و فرزندان بدون تجربه طلاق والدین نسبت به شریک روابط عاشقانه کنونی آن‌ها تفاوتی وجود ندارد، اما فرزندان طلاق نسبت به توانایی اعتماد کردن خود به رابطه کنونی‌شان تردید دارند و به آینده روابط خود خوش‌بین نیستند (جاکوئت^{۶۲} و همکاران، ۲۰۰۱).

اسنادهای مربوط به مسئولیت نقش مهمی‌تری را نسبت به اسنادهای علی در رضایت زناشویی ایفا می‌کند؛ چراکه اسنادهای مسئولیت بر خلاف اسنادهای علی ارتباط مستقیمی با پاسخ‌های رفتاری دارند؛ اما در این پژوهش همان‌طور که مشاهده می‌شود، رضایت زناشویی و معمولاً اسنادهای مربوط به مسئولیت با برانگیختگی عاطفی و عصبانیت همراه است (نلسون، ابرین، کالکینز و همکاران^{۶۳}، ۲۰۱۳). آنچه به اثربخشی اسنادهای مسئولیت منفی در رضایت زناشویی منجر می‌شود، الگوهای برانگیختگی هیجانی در طولانی‌مدت است. زوجینی که اسنادهای مسئولیت منفی دارند، به احتمال بیشتری در طول زمان دچار نارضایتی زناشویی می‌شوند (فینچام، بیچ و نلسون، ۱۹۸۷). در واقع طبق مدل اجتماعی - روان‌شناسی اسنادها با رفتارها همبسته است و هر اسناد منفی به یک واکنش رفتاری منجر می‌شود که بر رضایت زناشویی مؤثر خواهد بود. در واقع آنچه به نارضایتی زناشویی منجر می‌شود، تلافی‌کردن‌های همسران است که از اسنادهای منفی سرچشمه می‌گیرند؛ بنابراین اسنادهای منفی زمانی که به مشکلات رفتاری منجر شوند، می‌توانند ناسازگاری‌های زناشویی را به بار نشانند (برادبری و همکاران، ۱۹۹۲). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که اسنادهای منفی تا زمانی که به رفتارهای مشکل‌زا منتج نشود، به ناسازگاری زناشویی منجر نخواهد شد و شاید به همین دلیل است که متأهلان با تجربه طلاق والدین که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، با وجود آنکه اسنادهای منفی در زمینه مسئولیت داشتند، اما نمرات رضایت زناشویی آن‌ها با شرکت‌کنندگانی که تجربه طلاق والدین را ندارند، متفاوت نیست (رادمهر، صادقی، موتابی^{۶۴}، ۱۳۹۹).

علاوه بر این عوامل بسیاری تعیین‌کننده رضایت زناشویی است که یکی از مهم‌ترین عوامل باورها، اعتقادات و معیارهای زوجین است. طبق نتایج و یافته‌های پژوهش مذکور بررسی استانداردهای زناشویی که در بسیاری از پژوهش‌ها به عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی زوجین معرفی شده و همبستگی بالایی با رضایت زناشویی دارند (باکوم و همکاران، ۱۹۹۶؛ واندرر و همکاران، ۲۰۰۸)، نشان داد که بین استانداردهای زناشویی متأهلان با تجربه طلاق والدین و بدون تجربه طلاق والدین هیچ تفاوتی مشاهده نشده و در واقع این بدان معناست که تجربه طلاق والدین عامل مؤثری برای ایجاد استانداردهای رابطه افراطی و ناسازگار و همچنین مانعی برای تشکیل استانداردهای مشترک با همسران‌شان نخواهد بود؛ بنابراین افراد

متأهل با تجربه طلاق والدین می‌توانند با داشتن استانداردهای رابطه معقول و مشترک با همسرشان سطوح بالایی از رضایت زناشویی را تجربه کنند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که بسیاری از مردان با تجربه طلاق والدین از همکاری در این پژوهش امتناع ورزیدند که این امر به ایجاد نسبت نابرابری از نمونه زنان و مردان در پژوهش حاضر منجر شد. بنابراین امکان بررسی تأثیر طلاق والدین بر استانداردها و اسنادهای جنسیت‌های مختلف وجود نداشت. با توجه به نقش مهم تأثیر طلاق والدین بر جنسیت فرزندان، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی به مقایسه تأثیر تجربه طلاق والدین بر اسنادها و استانداردهای زندگی مشترک دختران و پسران پرداخته شود. همچنین با توجه به نقش مهم میزان نزاع والدین و ارتباط والدین با فرزند پس از طلاق، پیشنهاد می‌شود که پس از طلاق والدین برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نحوه ارتباط والدین با یکدیگر و همچنین با فرزندان و ممانعت از یارکشی والدین و آموزش چگونگی مطرح کردن مسئله طلاق و ترسیم شرایط موجود برای فرزندان تعبیه شود؛ تا اثرات جانبی نزاع والدین بر روابط صمیمی فرزندان به حداقل برسد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------------------------------|--|
| 1. Silvestri | 33. Gelfman |
| 2. Diekmann & Schmidheiny | 34. Shimkowski, Punyanunt-Carter & Colwell |
| 3. Greenberg & Nay | 35. Boyer-Pennington, Boyer-Pennington & Spink |
| 4. Li & Fung | 36. Rowland |
| 5. Epstein & Baucom | 37. Cui, Fincham & Durtschi |
| 6. Epstein, Baucom & Sayers | 38. Sinclair & Nelson |
| 7. Dattilio | 39. Franklin, Bulman & Roberts |
| 8. Sullivan & Schwebel | 40. Dillon |
| 9. Metts & Cupach | 41. Pan |
| 10. Hamamci | 42. Amato |
| 11. Vanzetti, Notarius & NeeSmith | 43. Brazandeh |
| 12. Ngazimbi | 44. Fatahi |
| 13. Ganong | 45. Ghafari |
| 14. Bradbury & Fincham | 46. Khojasteh mehr, Koraei & Rajabi |
| 15. Fincham, Harold & Gano-Phillips | 47. Khojaste mehr, Amanelahi & Zohrei |
| 16. Houts & Horne | 48. Hiew, Halford & Vijver |
| 17. Epstein, Baucom & Rankin | 49. Malek askar |
| 18. Fincham, Arias & Byrne | 50. Hosseinpour & Arab Momeni |
| 19. Gordon, Baucom & Epstein | 51. Motabi, Poorebrahimi & Askari |
| 20. Fletcher & Simpson | 52. Wolfinger |
| 21. Beck | 53. Mahel |
| 22. Ellis | 54. Hazen & Shaver |
| 23. Selective attentions | 55. Sanders, Halford & Behrens |
| 24. Attributions | 56. Morrison, Fife & Hertlein |
| 25. Expectations | 57. Braithwaite, Doxy & Dowdle |
| 26. Assumption | 58. Yánoz-Yaben & Garmendia |
| 27. Standards | 59. Gardner, Busby & Burr |

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------|
| 28. Epstein, Chen & Kamjou | 60. Hou, Yu & Fang |
| 29. Wunderer & Schneewind | 61. Prewett, Spence & Chaknis |
| 30. Langhinrichsen-Rohling & Dostal | 62. Jacquet |
| 31. Wayment | 63. Nelson, O'BRIEN & Calkins |
| 32. Maranca-Hood | 64. Radmehr, Sadeghi & Motabi |

منابع

- برازنده، ه. (۱۳۸۴). رابطه معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲(۸)، ۳۳۰-۳۱۹.
- حسین‌پور، ج. و عرب مؤمنی، ع. (۹۶). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت نهاد خانواده. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۳۲)، ۶۰-۳۳.
- خجسته‌مهر، ر.، امان‌الهی، ع.، زهرای، ا. و رجبی، غ. (۱۳۹۰). سبک‌های دلبستگی، اسناد علی و اسناد مسئولیت به عنوان پیش‌بین‌های خشونت علیه زنان. *روانشناسی خانواده*، ۱(۱)، ۵۲-۴۱.
- خجسته‌مهر، ر.، کرابی، م.، امین، ا. و رجبی، غ. (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیش‌بینی‌دها و پیامدهای گذشت در ازدواج. *مطالعات روان‌شناختی*، ۶(۱)، ۱۶۲-۱۳۵.
- خجسته‌مهر، ر.، نادری، ف. و سودانی، م. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای مقابله زوجی در رابطه بین استانداردهای زناشویی و رضایت زناشویی. *روشها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۳(۱۲)، ۶۷-۴۷.
- رادمهر، م.، صادقی، م. و موتابی، ف. (۱۳۹۹). *مقایسه استانداردها و اسنادهای زناشویی در متأهلان با و بدون تجربه طلاق والدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.*
- فتاحی، ک. (۱۳۸۸). اسنادهای ناسازگار و معیارهای ارتباطی به عنوان پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی.*
- عسکری، س.، موتابی، ف.، پورابراهیم، ت. (۱۳۹۵). رابطه میزان سازگاری زناشویی مادران با استانداردهای رابطه و نگرش به ازدواج دختران متأهل. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.*
- غفاری، ن. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اسناد ارتباطی در ازدواج و تعیین توان پیش‌بینی آن در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر آبادان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.*
- ملک‌عسگر، س.، موتابی، ف. و مظاهری، م. (۱۳۹۳). مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، اسنادهای ارتباطی و رضایت زناشویی در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۳۷)، ۱۵۷-۱۳۷.

Amato, P. R. (1996). Explaining the intergenerational transmission of divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 628-640.

Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of marriage and family*, 72(3), 650-666.

- Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). Assessing relationship standards: The inventory of specific relationship standards. *Journal of Family Psychology*, 10(1), 72-88.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Sayers, S., & Sher, T. G. (1989). The Role of Cognitions in Marital Relationships : Definitional , Methodological , and Conceptual Issues, 57(1), 31-38.
- Beck, A. T. (1976). Depression: Clinical experimental and theoretical aspects. New York: Hoeber Boyer Pennington, M. E., Pennington, J., & Spink, C. (2001). Students' expectations and optimism toward marriage as a function of parental divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 34(3-4), 71-87.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1990). Attributions in Marriage: Review and Critique. *Psychological Bulletin*, 107(1), 3-33.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1993). Assessing Dysfunctional Cognition in Marriage : A Reconsideration of the Relationship Belief Inventory, *Psychological assessment*, 5(1), 92-101.
- Braithwaite, S. R., Doxey, R. A., Dowdle, K. K., & Fincham, F. D. (2016). The unique influences of parental divorce and parental conflict on emerging adults in romantic relationships. *Journal of Adult Development*, 23(4), 214-225.
- Brazandeh, H. (2006). The relationship between marital adjustment and relationship standards. *developmental psychology: Iranian psychologist*, 2, 319-330.
- Cui, M., Fincham, F. D., & Durtschi, J. A. (2011). The effect of parental divorce on young adults' romantic relationship dissolution: What makes a difference? *Personal Relationships*, 18(3), 410-426.
- Dattilio, F. M. (2010). *Cognitive-behavioral therapy with couples and families*. London: Guilford Publications.
- Dattilio, F. M., & Collins, M. H. (2018). *Cognitive-behavioral family therapy*. London: Guilford Press.
- Diekmann, A., & Schmidheiny, K. (2013). The intergenerational transmission of divorce: A fifteen-country study with the fertility and family survey. *Comparative Sociology*, 12(2), 211-235.
- Ellis, A. (1962). *Reason and Emotion in Psychotherapy*. New York: Lyle Stuart.
- Epstein, N. B., & Baucom, D. H. (2002). *Enhanced cognitive-behavioral therapy for couples: A contextual approach*. American Psychological Association.
- Epstein, N. B., Chen, F., & Beyder-Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(1), 59-74.
- Epstein, N., Baucom, D. H., & Rankin, L. A. (1993). Treatment of marital conflict: a cognitive-behavioral approach. *Clinical Psychology Review*, 13(1), 45-57. [https://doi.org/10.1016/0272-7358\(93\)90007-9](https://doi.org/10.1016/0272-7358(93)90007-9)
- Fatahi, K. (2010). maladjusted attributions and relationship standards as predictors of marital adjustment. Master Thesis, Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services.
- Fincham, F. D., Arias, I., Byrne, C. A., Bradbury, T. N., & Karney, B. R. (1997). Marital violence, marital distress, and attributions. *Journal of Family Psychology*, 11(3), 367-372. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.11.3.367>

- Fincham, F. D., Beach, S., & Nelson, G. (1987). Attribution processes in distressed and nondistressed couples: 3. Causal and responsibility attributions for spouse behavior. *Cognitive Therapy and Research*, 11(1), 71-86.
- Fincham, F. D., Harold, G. T., & Gano-Phillips, S. (2000). The longitudinal association between attributions and marital satisfaction: Direction of effects and role of efficacy expectations. *Journal of Family Psychology*, 14(2), 267-285. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.14.2.267>
- Fletcher, G. J. O., Simpson, J. A., Fletcher, G. J. O., & Simpson, J. A. (2000). Current Directions in Psychological Science Ideal Standards in Close Relationships: Their Structure and Functions. <https://doi.org/10.1111/1467-8721.00070>
- Franklin, K. M., Janoff-Bulman, R., & Roberts, J. E. (1990). Long-Term Impact of Parental Divorce on Optimism and Trust: Changes in General Assumptions or Narrow Beliefs? *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(4), 743-755. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.59.4.743>
- Gabardi, L., & Rosen, L. A. (1991). Differences between college students from divorced and intact families. *Journal of Divorce & Remarriage*, 15(3-4), 175-192.
- Ganong, L. H. (2001). Handbook of Marriage and the Family. *Journal of Marriage and Family*, 63(1), 279.
- Gardner, B. C., Busby, D. M., Burr, B. K., & Lyon, S. E. (2011). Getting to the Root of Relationship Attributions: Family-of-Origin Perspectives on Self and Partner Views. *Contemporary Family Therapy*, 33(3), 253-272. <https://doi.org/10.1007/s10591-011-9163-5>
- Ghafari, N. (2008). Investigating the psychometric properties of the Communication attributions Scale in Marriage and Determining Its Predictability in Divorced and Ordinary Women Applicants in Abadan, Master Thesis in Family Counseling, Faculty of Educational Sciences.
- Gelfman, D. S. (1995). Adult children of divorce and their expectations, attitudes and beliefs regarding marriage.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., Epstein, N., Burnett, C. K., & Rankin, L. A. (1999). The interaction between marital standards and communication patterns: how does it contribute to marital adjustment?, 25(2), 211-223.
- Greenberg, E. F., & Nay, W. R. (1982). The intergenerational transmission of marital instability reconsidered. *Journal of Marriage and the Family*, 335-347.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social Behavior and Personality*, 33(4), 313-328. <https://doi.org/10.2224/sbp.2005.33.4.313>
- Hiew, D. N., Halford, W. K., Van de Vijver, F. J., & Liu, S. (2015). Relationship standards and satisfaction in Chinese, Western, and intercultural Chinese-Western couples in Australia. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 46(5), 684-701.
- Hosseinpour, J., & Arab Momeni, A. (2017). The Impact of Virtual Social Networks on Family Identity. *Social Development and Welfare Planning*, 8(1), 33-60 [in Persian].
- Hou, J., Yu, L., Fang, X., & Epstein, N. B. (2016). The intergenerational transmission of domestic violence: the role that gender plays in attribution and consequent intimate partner violence. *Journal of Family Studies*, 22(2), 121-139.

- Houts, C. R., & Horne, S. G. (2008). The role of relationship attributions in relationship satisfaction among cohabiting gay men. *The Family Journal*, 16(3), 240-248.
- Jacquet, S. E., & Surra, C. A. (2001). Parental divorce and premarital couples: Commitment and other relationship characteristics. *Journal of Marriage and Family*, 63(3), 627-638.
- Khojaste mehr, R., Amanelahi, A., & Zohrei, E. (2014). Attachment Styles, Causal Attribution And Responsibility Attributions As Predictores Of Violence Against Women. *Family Psychology*, 1(1), 41-52 [in Persian].
- Khojasteh mehr, R., Koraei, A., & Rajabi, G. (2010). A study of a proposed model for some precedents and outcomes of forgiveness in marriage. *Psychological studies*, 6(1), 157-162[in Persian].
- Khojasteh mehr, R., Naderi, F., & Sodani, M. (2013). The Mediating Role Of Dyadic Coping On The Relationship Between Marital Standards And Marital Satisfaction. *Journal of Psychological Model and Methods*, 3(12), 47-67[in Persian].
- Langhinrichsen-Rohling, J., & Dostal, C. (1996). Retrospective reports of family-of-origin divorce and abuse and college student's pre-parenthood cognitions. *Journal of family violence*, 11(4), 331-346.
- Li, T., & Fung, H. H. (2011). The Dynamic Goal Theory of Marital Satisfaction. *Review of General Psychology*, 15(3), 246-254. <https://doi.org/10.1037/a0024694>
- Mahl, D. (2001). The influence of parental divorce on the romantic relationship beliefs of young adults. *Journal of divorce & remarriage*, 34(3-4), 89-118.
- Malek asgar, S., Motabi, F., & Mazaheri, M. (2014). Comparing Relationship Standards, Attributions And Marital Satisfaction Across Three Recent Generations In Tehran. *Journal of Family Research*, 10(37), 137-157[in Persian].
- Marranca-Hood, M. (2013). *Evaluating Marital Expectation, Self Esteem, and Conflict In the Relationships of Adult Children of Divorce Contrasted with Marital Expectation, Self Esteem, and Conflict In the Relationships of Adult Children of "Intact Families"* (Doctoral dissertation, State University of New York Empire State College).
- Metts, S., & Cupach, W. R. (1990). The influence of relationship beliefs and problem-solving responses on satisfaction in romantic relationships. *Human Communication Research*, 17, 170-185
- Morrison, S. C., Fife, S. T., & Hertlein, K. M. (2017). Mechanisms behind prolonged effects of parental divorce: A phenomenological study. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(1), 44-63.
- Motabi, F., Poorebrahimi, T., & Askari, S. (2017). The relationship between mothers' marital adjustment and relationship standards and attitudes toward married girls' marriage. Master Thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Nelson, J. A., O'BRIEN, M. A. R. I. O. N., Calkins, S. D., & Keane, S. P. (2013). Mothers' and fathers' negative responsibility attributions and perceptions of children's problem behavior. *Personal Relationships*, 20(4), 719-727.
- Ngazimbi, E. (2009). Exploring The Relationship Between Marital Expectations And Marital Satisfaction Between Married African Immigrant Couples And U.

- Pan, E. L. (2014). Timing of parental divorce, marriage expectations, and romance in Taiwan. *Journal of Comparative Family Studies*, 45(1), 77-92.
- Prewett, M. J., Spence, R., & Chaknis, M. (1981). Attribution of causality by children with alcoholic parents. *International Journal of the Addictions*, 16(2), 367-370.
- Radmehr, M., Sadeghi, M., & Motabi, F. (2020). Comparison of marital standards and attributions in married people with and without parental divorce experience. Master Thesis, Family Research Institute, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Rowland, A. (2006). The Effect of Parental Divorce on Romantic Beliefs and Relationship Characteristics.
- Sanders, M. R., Halford, W. K., & Behrens, B. C. (1999). Parental divorce and premarital couple communication. *Journal of Family Psychology*, 13(1), 60-74.
- Shimkowski, J. R., & Ledbetter, A. M. (2018). Parental Divorce Disclosures, Young Adults' Emotion Regulation Strategies, and Feeling Caught. *Journal of Family Communication*, 18(3), 185-201. <https://doi.org/10.1080/15267431.2018.1457033>
- Silvestri, S. (1993). Marital instability in men from intact and divorced families: Interpersonal behavior, cognitions and intimacy. *Journal of divorce & remarriage*, 18(1-2), 79-108.
- Sinclair, S. L., & Nelson, E. S. (1998). The impact of parental divorce on college students' intimate relationships and relationship beliefs. *Journal of Divorce & Remarriage*, 29(1-2), 103-129. <https://doi.org/10.1300/J087v29n01>
- Sullivan, B. F., & Schwebel, A. I. (1995). Relationship beliefs and expectations of satisfaction in marital relationships: Implications for family practitioners. *The Family Journal*, 3(4), 298-305.
- Vanzetti, N. A., Notarius, C. I., & NeeSmith, D. (1992). Specific and generalized expectancies in marital interaction. *Journal of Family Psychology*, 6(2), 171.
- Wayment. (2008). Current research in social psychology. *Current Research in Social Psychology*, 13(20), 243-254. <https://doi.org/10.1177/1368430212454925>
- Whisman, M. A., & Uebelacker, L. A. (2007). Maladaptive Schemas and Core Beliefs in Treatment and Research With Couples.
- Wunderer, E., & Schneewind, K. A. (2008). The relationship between marital standards, dyadic coping and marital satisfaction. *European Journal of Social Psychology*, 38, 462-476.
- Yárnöz-Yaben, S., & Garmendia, A. (2016). Parental divorce and emerging adults' subjective well-being: The role of "carrying messages". *Journal of Child and Family Studies*, 25(2), 638-646.